



فهرست مطالب

۹مقدمه
۱۳ نماز یعنی نماز اول وقت
۱۴ نمازش را قطع نکرد
۱۵ نماز عشق
۱۶ دست از نماز شب نمی‌کشید حتی در ...
۱۷ آسمان پر ستاره و نماز شب
۱۸ جوشن کبیر را ترجیح داد!
۲۰ بگذارید نمازم را بخوانم
۲۲ نماز اول وقت زیر آتش شدید
۲۳ سه بار دعای کمیل خواند
۲۴ همه را به گریه می‌انداخت
۲۵ در سرمای نیمه‌شب
۲۷ یک لیوان آب
۲۸ آوای خوش دعا
۲۹ هنوز در سجده بود
۳۰ در داخل قبر به راز و نیاز پرداخت
۳۱ نماز اول وقت در وسط بیابان
۳۲ روی سجاده به خواب رفته بود

۳۳	برنامه‌ی عبادی بسیار منظم.....
۳۶	شما می‌خورید من لذت می‌برم.....
۳۷	سوز و گداز.....
۳۹	خلوت با خدا.....
۴۱	دعای سمات.....
۴۲	با یاد خدا، گرم می‌شد.....
۴۳	نماز و قرآن.....
۴۴	هم دفتر کار و هم نمازخانه.....
۴۵	غرق عبادت.....
۴۶	عاشق عبادت.....
۴۷	شکوه و عظمت نماز.....
۴۸	تماشای نماز.....
۴۹	عاشق نماز بود.....
۵۰	نماز شب.....
۵۱	رمز شادابی.....
۵۲	پرهیز از ریا.....
۵۳	در محافل مذهبی و مساجد.....
۵۴	زیارت عاشورا.....
۵۵	التماس دعا.....
۵۶	نماز آخر.....
۵۷	نماز با لذت.....
۵۹	ربط رفتار و نماز.....
۶۱	نماز با اخلاص و صفا.....
۶۲	نماز، نماز.....

۶۴	حریم خلوت با خدا
۶۶	شب سرد و مناجات با خدا
۶۸	قرآن، مفاتیح و جانماز همراهان صمیمی
۷۱	بگذارید بخوابیم
۷۳	پای نخل نیم سوخته
۷۴	رها در عرش
۷۵	شهادت در حال تشهد
۷۷	ترویج نماز و تشویق نماز خوان‌ها
۸۱	فانوس به دستان
۸۳	غسل جمعه
۸۴	ادای نماز در شلوغی و هیاهو
۸۶	تأکید بر نماز اول وقت و جماعت
۸۹	صحنه‌ی شگفت‌انگیز
۹۰	وسایل مختص نماز شب
۹۲	با برف‌ها وضو گرفت!
۹۳	با آب شور وضو گرفت
۹۵	نگران نماز
۹۶	دعای توسل سه ساعت طول می‌کشد؟
۹۸	دعای امروز را نخوانده بودم!
۹۹	بدنیست پشت بلندگو مناجات بگذاری
۱۰۰	مناجات او را سرحال آورده بود
۱۰۳	روزه‌اش را با آن حال گرفت
۱۰۴	تو مگر چقدر گناه داری؟
۱۰۷	منابع



مقدمه

و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون (۱)، جن و انس را خداوند برای عبادت و پرستش خود آفرید. عبادت یعنی سر بر آستان خالق هستی ساییدن، یعنی به آنچه او دوست دارد عمل کردن، یعنی آنچه را او نمی‌پسندد، ترک کردن. با او بودن و با او ماندن. رازها و نیازها را با او گفتن به نجوا و فریاد و اشک و آه. دوستی و آشنایی با ملکوت. او را شناختن و پرستیدن.

راستی خداشناسی که همراه با خداپرستی نباشد، چه سود؟ مثل علمی که بدون عمل باشد. بذری که در دل خاک آماده‌ی رویش قرار نگیرد. طرحی که اجرا نشود. ایمانی که در دل مستقر و مستحکم نگردد.

خدا را که شناختی، باید پرستش کنی. یعنی باور کنی که هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بكل شیء علیم (۱) لمس کنی که: هو معکم این ما کنتم و الله بما تعملون بصیر (۲)، یعنی اجابت کنی دعوت او را برای رشد و تعالی و میهمانی آسمانی: و اذا سألك عبادي عني فأنني قريب أجيب دعوة الداع اذا دعان فاستجيبوا لي و ليؤمنوا بي لعلهم يرشدون (۳).

صبر، سکینه، آرامش، استقامت و ایستادگی، تحمل سختی‌ها و کمبودها، گذشتن از خانواده و مال و جان، خودباوری و قوت قلب، فراتر از ظرف زمان و امکانات عمل کردن، و هر حُسن و بزرگی و درخشندگی، همه از خداپرستی و اتکال به قدرت مطلق و اراده‌ی اوست و کلید اینها عبادت است و اطاعت، و هیچ را در آستان همه چیز به خاک ساییدن و به پهنای صورت اشک ریختن، دعا کردن و مناجات و راز و نیاز، نماز برپا داشتن و حضور قلب در آن، تلاوت قرآن و دل سپردن به آن، مناجات شب و بیداری نیمه‌های شب و راه به

۱- سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۳.

۲- سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۴.

۳- سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۶.

ملکوت آسمان جستن.

این هیج، لا یملک الا الدعاء (۱)، که می‌خواهد نظر کند به وجه‌الله و در جوار رحمت و در کنار عظمت او قرار گیرد، باید از «خود» و هرآنچه به آن تعلق دارد، خالی شود. قطره گر فانی دریا نشود، قطره است و زوال‌پذیر، نه دریا. عبادت، دعا، نیایش، راز و نیاز، یعنی فانی شدن این هیج، این قطره در عظمت مطلق و این است آن ماندگاری و خلود در رحمت خدا که دنیا پیشگان از آن غافل‌اند و در عذاب. برای این که زرهات پشت نداشته باشد، یعنی هرگز به دشمن با هر جمعیت و امکاناتی، پشت نکنی، باید در نمازت آن‌چنان مجذوب شوی که تیر از پایت درآورند و متوجه نشوی.

این که امام شهدا، جبهه‌ها را محل عبادت و فرود فرشتگان و فتح‌الفتوح دل‌ها و عروج شیفتگان و بال ملائک می‌خواندند، برای آن نمازها، دعاها، سجده‌ها، گریه‌ها، روضه‌ها و العفو العفوها بود و همین‌ها بود آن پیروزی بزرگ، که پیروزی کوچک بر صدامیان و حامیان آن را به دنبال آورد. چه نوشیدند رزمندگان، چه دیدند در آن شب‌ها و نیمه

شبها، چه نجوایی کردند و چه شنیدند از محبوب
آفرینش، چه خواستند و چه گرفتند از دست کرم و
جود خدا که چنین با اقتدار و صلابت و عاشقانه در
میدان جهاد با مستکبران عالم ظاهر شدند؟ خوشا به
سعادتشان و خوشا به حالشان، رزق الهی
گوارایشان.

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند
فرزند و عیال و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی
دیوانه‌ی تو هر دو جهان را چه کند

مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت